

## تحلیل جماعات تکفیری نوظهور بر اساس تئوری کاریزماتیک ماکس وبر

نیره قوی<sup>۱</sup>

استادیار پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۴/۱۲)

### چکیده

شکل‌گیری و رشد جماعات تکفیری نوظهور، از مهم‌ترین تحولات اخیر کشورهای غرب آسیاست. در این میان از داعش به‌عنوان مهم‌ترین جماعت تکفیری نوظهور در جریان نوسلفی جهادی نام برده می‌شود. فهم ماهیت، ساختار و عملکرد داعش، نیازمند به‌کارگیری چارچوبی تئوریک و متناسب است. از جمله تئوری‌های رایج در تحولات اجتماعی، تئوری کاریزماتیک وبر است که به‌نظر می‌رسد میزانی از قدرت تحلیل شکل‌گیری و عملکرد جماعات تکفیری از جمله داعش را واجد است. بر این مبنا در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی تلاش شده است که با استفاده از این تئوری، ماهیت، چگونگی شکل‌گیری، ساختار و عملکرد داعش بررسی و تحلیل شود. سؤال تحقیق این است که «آیا می‌توان جماعت تکفیری داعش را مصداقی از تئوری کاریزماتیک وبر برشمرد؟» در این زمینه با بررسی اندیشه و آثار وبر، دو مدل از چگونگی «ساختار» و «شکل‌گیری و ماهیت جنبش کاریزماتیک وبری استخراج و با بررسی زمینه‌های شکل‌گیری و ماهیت، ساختار و عملکرد داعش با تطبیق مؤلفه‌های دو مدل تحلیلی به جهت سنجش فرضیه مذکور آورده شده است. در انتها هم با ترسیم مدل مفهومی که حاکی از چگونگی تطبیق تئوری و مصداق با نکات ترمیمی بیان‌شده است می‌توان اذعان کرد که داعش مصداقی متناسب با کاریزماتیک وبر در بسیاری از مؤلفه‌هاست.

### واژه‌های کلیدی

پیروان کاریزما، جماعت تکفیری، داعش، کاریزماتیک، ماکس وبر.

## مقدمه

امروزه برای تحلیل تحولات سیاسی و اجتماعی از تئوری‌های گوناگونی استفاده می‌شود. یکی از تئوری‌های مطرح در این زمینه، تئوری کاریزماتیک ماکس وبر است. وبر در دوران حیات علمی خود با خلق آثاری در جامعه‌شناسی، تأثیرگذاری بسزایی داشته و دیدگاه خود درباره کاریزما را با روش «نمونه خالص» طرح کرده است. نوع خالص یکی از عناصر و ارکان مهم در متد علمی وبر در پژوهش‌هایش است. منظور وبر از به‌کارگیری این مفهوم این است که عالم اجتماعی باید «غیرواقعی بسازد که غیرمبهم، دقیق و کاملاً غیرانتزاعی باشد تا بتوان از طریق آن واقعیتی را که مبهم، ناپایدار و به‌طور اغفال‌کننده‌ای ملموس است درک کرد». شناخت واقعیت از طریق مقایسه مصادیق عینی با انواع خالص سمبل ذهنی مطلق از موارد و مصادیق عینی است. کاریزما نمونه‌ای از «نوع خالص» است، یعنی می‌توان از آن قالبی ذهنی ساخت که همه ویژگی‌های ممکن مقوله مورد نظر را در خود داشته باشد.<sup>۱</sup> نوع خالص برای وبر هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است که باید از آن برای درک اهمیت فرهنگی وقایع، در تمایز از صرف ثبت وقوع آنها استفاده کرد (وبر، ۱۳۷۴: ۱۷). نکته این است که نمونه خالص وبر درباره کاریزما در مورد کشور خودش یعنی آلمان و به‌منظور نجات این کشور از شرایط بحرانی مطرح شده و بعد از فوت وبر از منظر برخی وبرشناسان توضیح دهنده ظهور هیتلر و موسولینی و ... است. هدف مقاله، بررسی چگونگی تطبیق ساختار، عملکرد، ماهیت و رهبری داعش با تئوری کاریزماتیک وبر است. در این نوشتار ابتدا تئوری وبر براساس آثار موجود واکاوی شده و دو مدل (نمودارهای ۱ و ۲) از آن استخراج شده است. سپس با معیار قرار دادن این مدل‌ها و تطبیق مؤلفه‌های آن با داعش، دو مدل کاریزمایی از داعش در نمودارهای ۳ و ۴ استخراج شده و در پایان هم برای فهم چگونگی و حد تطبیق تئوری وبر و مصداق داعشی آن مدل مفهومی در قالب جدول ارائه شده است.

## معناشناسی مفاهیم

– **کاریزما:** در لغت، «کاریزما» منشأ کلیسایی دارد و به‌معنای «عطیة الهی» است. لغت کاریزما از گذشته‌های دور در فرهنگ‌های مختلف، خصوصاً فرهنگ و ادبیات مسیحیت به‌کار برده می‌شد و معانی متفاوتی هم داشت. این واژه «در زبان عربی به‌معنای موهبت یافتن از فیض ایزدی و کرامت» (شیخاوندی، ۱۳۸۷: ۹۸) به‌کار رفته است. کاریزما به‌معنای «فره» یا فرهمندی در

۱. لوئیس کوزر در نقد نمونه خالص وبر معتقد است که از نظر ماکس وبر، «مقولات و مصادیقی چون روحیه سرمایه‌داری، بوروکراسی، کاریزما و عقلانیت نمونه‌هایی از انواع خالص هستند؛ یعنی می‌توان از آنها قالبی ذهنی ساخت که همه ویژگی‌های ممکن مقوله مورد نظر را در خود داشته باشد. انتقاد دیگر بر این مفهوم آن است که الزاماً این‌گونه اندیشیدن که باید کنش‌های اجتماعی را صرف‌نظر از متغیرهای مختلف، چنان تحلیل کنیم که منطبق بر این انواع خالص وبر باشد، از ارزش و جایگاه علمی برخوردار نیست... و دقیق‌تر اینکه اگر جایگزین و محتوا غنی‌تر باشد، دیگر در عرصه علمی، توقف در وبر صحیح نیست، بلکه شتاب در گذر از او لازم آید (کوزر: ۳۰۶).

اغلب کتب و تحقیقات به‌وفور به چشم می‌خورد. در نظر برخی هم کاریزما از جمله مفاهیمی است که به‌دلیل غنای مفهوم (شاید هم ابهام مفهومی) در حوزه‌ها و سطوح گوناگون استفاده شده است (فولادیان، ۱۳۹۳: ۱۱). اما ماکس وبر صرفاً این واژه را در قالب اندیشه‌های جامعه‌شناسانه خود و منطبق بر باورهای خود کاربردی نموده و در قالب یک مفهوم در جامعه‌شناسی سیاسی، به‌کار گرفته است (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۶۳۰-۶۲۹). بدین جهت است که سلطه کاریزماتیک به افکار وبر آلمانی منسوب است. در این پژوهش مفهوم کاریزما در اندیشه ماکس وبر (۱۸۶۰-۱۹۲۴) مدنظر است. وبر درباره مفهوم کاریزما در دو زمینه کاملاً متفاوت و در حقیقت متضاد بحث کرده است. کاریزما از یک وجه، معرف نوعی اقتدار است که در مقابل دو شکل دیگر اقتدار سنتی و قانونی قرار می‌گیرد و از طرف دیگر، معرف گونه‌ای از رهبری است که در مقابل اشکال دیگر رهبری می‌ایستد. از این جهت، کاریزما به‌شکل یک عامل، در صحنه تغییرات و تحولات اجتماعی ظاهر می‌شود. این زمینه‌های متضاد ظهور یا عمل کاریزما، منشأ ابهامات و مباحث متعددی شده است. حل و فصل این ابهامات و درک رابطه این دو شکل از ظهور و بروز کاریزما، پیش‌شرط ضروری درست دیدگاه وبر است (فولادیان، ۱۳۹۴: ۶۷).

- سیادت کاریزماتیک وبر: وبر در تعریف سیادت در کتاب «اقتصاد و جامعه» می‌گوید:

«احتمال ایجاد اطاعت بین یک عده معین برای یک فرمان به‌خصوص، سیادت نام دارد» (وبر، ۱۳۷۴: ۲۶۹). در نظر وی اگر سیادت مبتنی بر ارزش‌های سنتی باشد، سیادتی است سنتی و اگر مبتنی بر پذیرش قانون باشد سیادتی است قانونی- عقلانی. نهایتاً، سیادتی که مبتنی بر ارتباط درونی (عاطفی- ارزشی) بین یک رهبر کاریزمایی از یک‌سو و پیروان وی از سوی دیگر باشد، سیادتی است کاریزمایی (وبر، ۱۳۷۴: بیست‌وپنج). از منظر وبر سیادت کاریزمایی به‌طور اخص غیرعقلایی است. بدین معنا که با همه قواعد بیگانه است (وبر، ۱۳۷۴: ۴۰۰). وظیفه وفاداری و اطاعت، هم در سیادت کاریزمایی و هم در سیادت سنتی، به‌نحوی دارای سرشت مذهبی است (وبر، ۱۳۷۴: ۴۴۴). وبر از چهار کنش عقلانی هدفمند، عقلانی ارزشی، عاطفی و سنتی (وبر، ۱۳۷۴: ۲۸) و به‌موازات آن از انواع اقتدار سنتی، قانونی و کاریزماتیک نام می‌برد. در اقتدار کاریزماتیک کنش عاطفی جامعه در برابر رهبر، در اطاعت و پیروی از او تجلی می‌کند و رهبر کاریزما، ممکن است تقریباً در هر حوزه‌ای از زندگی اجتماعی مانند پیامبران دینی، رهبران سیاسی و قهرمان نظامی در میان عامه مردم ظهور کند (وبر، ۱۳۷۹: ۱۹). «واژه کاریزما برای خصوصیت ویژه شخصیت یک فرد که به‌دلیل داشتن این ویژگی از افراد عادی جدا انگاشته می‌شود؛ و به‌عنوان کسی که صاحب توانایی‌ها یا خصوصیات فوق طبیعی، فوق انسانی، یا حداقل استثنایی باشد به‌کار می‌رود... اما آنچه مهم است این است که فرد چگونه توسط آنهایی که در معرض سیادت کاریزمایی هستند، یعنی «پیروان» و «شاگردان» ارزیابی می‌گردد» (وبر، ۱۳۷۴: ۳۹۷).

- **جماعت تکفیری:** تکفیر به معنای صدور حکم کافر شدن یا کافر بودن فرد است. جماعت تکفیری به گرایش گروهی از سلفیون گفته می‌شود که مخالفان خود را کافر می‌شمارند. براساس مبنای فکری آنان، میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد. به این معنا که اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبائر شود، از دین خارج شده و کافر می‌شود (احمدی فر، ۱۳۹۵: ۵۸). ریشه تکفیر به اندیشه‌های ابن تیمیه و محمد ابن عبدالوهاب جای دارد. محمد ابن عبدالوهاب دریافتی تنگ از اسلام را تبلیغ می‌کرد. پیروان او معتقدند که شرک سراسر جهان را فرا گرفته و آنها وظیفه دارند مشرکان را بکشند. در باور او، دعا، استغاثه، نذر و ذبح برای غیر خدا شرک اکبر است و همان‌گونه که نماز بی طهارت باطل است، عبادت با شرک هم توحید فرد را باطل می‌کند و او را سزاوار عذاب جاودان می‌نماید. وی بر این باور است که شرک اکبر در دو دوره، یعنی روزگار جاهلیت و عصر کنونی تحقق یافته است (دانشنامه حوزوی، ویکی‌فقه: ۱۳۹۷).

- **داعش:** داعش جماعتی نوظهور با اندیشه‌های تکفیری است که ریشه در برداشت‌های نادرست و غیرواقعی از دین و مذهب دارد. ریشه شکل‌گیری این گروه به سازمان القاعده عراق بازمی‌گردد. این جماعت با طی فراز و نشیب‌هایی در طول سالیان اخیر، با توجه به بی‌ثباتی عراق و بحران سوریه فرصت بروز پیدا کرد و در آوریل ۲۰۱۳ با نام «دولت اسلامی عراق و شام» یا داعش ظهور یافت.

### مهم‌ترین مؤلفه‌های تئوری کاریزماتیک وبر

در آثار و اندیشه وبر و شارحان وبر مهم‌ترین مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

- مهم‌ترین ویژگی کاریزما «انواع خالص» یا «مثالی بودن» بودن کاریزماست که مبین یک یوتوپیاست؛ نمونه این یوتوپیا به‌ندرت در کیفیت نابس در واقعیت تجربی و ملموس دیده می‌شود یا هرگز دیده نمی‌شود. آرمانی بودن این نمونه ساختگی، هیچ‌وجه مشترکی با کمال مطلوب یا آنچه باید باشد، در معنای اخلاقی ندارد. نمونه مثالی هیچ عنصر سرمشق قرارگرفتنی ندارد و نباید آن را، نه با یک مدل ارزش‌شناختی اشتباه گرفت و نه با یک قاعده عملی برای کنش. تنها فضیلت آن، فضیلت منطقی است نه اخلاقی، و از هرگونه ارزیابی مبراست (وبر، ۱۳۷۴: ۶۰).

- رهبر به‌موجب اقتدار شخصی و به‌تبع رسالتی که گمان می‌کند بر عهده دارد، حدود و هنجارها را تعیین می‌کند؛ بنابراین مشروعیتش را مستقل از هر معیار خارجی از درون خودش بیرون می‌کشد. شخصیت کاریزما مسیر حرکت را خودش تعیین می‌کند و در پیمودن این مسیر هیچ‌گونه ابایی از تکفیر کردن یا از میان برداشتن هواداران متمرّد خود ندارد. بنابراین کاریزما در نگاه وبر، آن هنگام که مشروعیتش را از ویژگی شخصی خود دارد، خود را پایبند هیچ حدومرز یا قانونی نمی‌داند. کاریزما خودش هنجار خودش است و کلام او جای حق و تکلیف را می‌گیرد و نیز خود

دلیل اطاعت می‌گردد. او ثبات را نمی‌خواهد، بلکه ثبات غیر قابل قبول است و زیرورو شدن مطابق خواسته اوست. در واقع در اصطلاح وبر، خودش حجت خودش است (فروند، ۱۳۷۹: ۲۲۱).

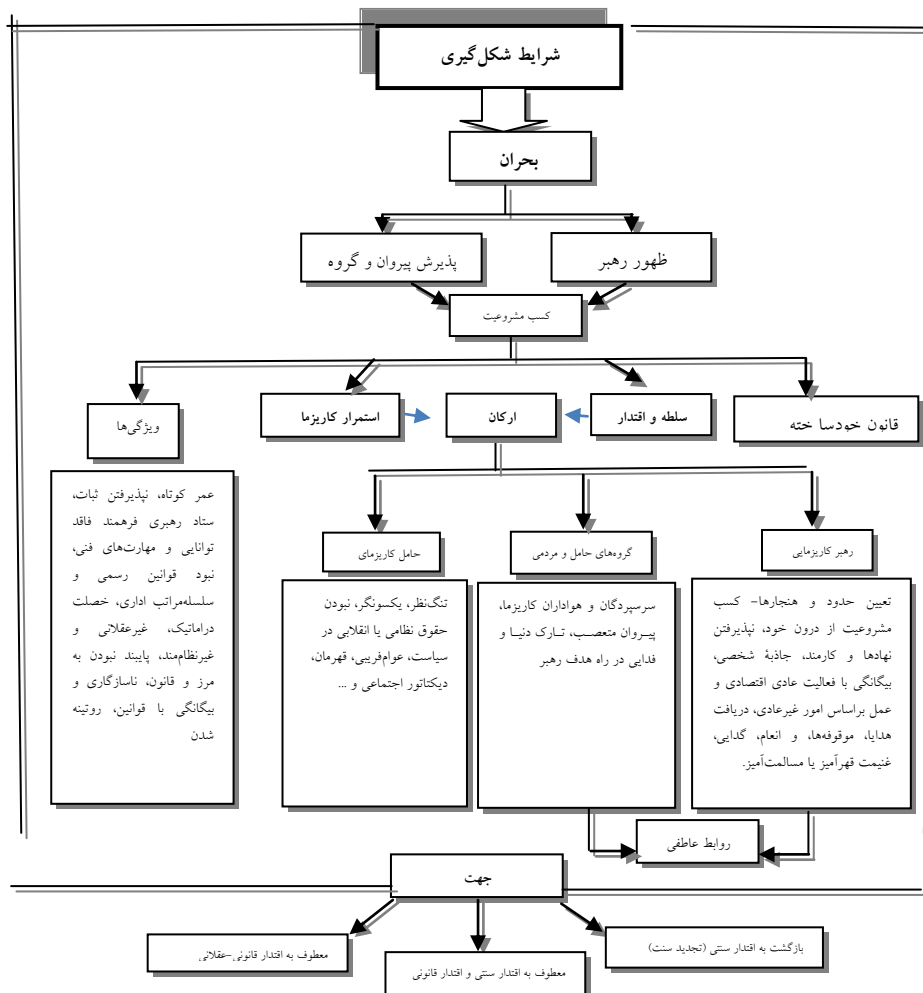
- ساختار سلطه کاریزمایی همسو با مأموریت و هدفش این است که باید دعوی مأموریت و وظیفه شرعی آن کاملاً متعصبانه و سازش‌ناپذیر باشد. این موضوع مستلزم دو پیش‌شرط است: الف) سازمان رهبر کاریزمایی نباید رسمی باشد، بلکه باید متشکل از افرادی باشد که حاضرند خود را در راه هدف‌های رهبر فدا کنند؛ ب) رهبر کاریزمایی و مریدانش نباید نیازهای خود را از طریق فعالیت‌های معمولی اقتصادی برآورند. اگر آنها گروهی جنگجو هستند، براساس رسم اردوهای نظامی، باید از راه غارت و تاراج اموال خارج گروه، احتیاجات خود را رفع و از غنایم جنگی به صورت اشتراکی استفاده کنند و در صورت داشتن رفتار مسالمت‌آمیز، با تکدی‌گری و پذیرش هدایا و پیشکش‌ها نیازهای خود را برآورده می‌کنند. بنابراین، سلطه ساختاری ناپایدار دارد و در صورتی که بخواهد ماندگار شود باید ساختار سستی یا عقلانی به خود بگیرد. وبر در اقتصاد و جامعه می‌گوید: «سیادت کاریزمایی در شکل و حالت اصیل خود دارای سرشتی غیرمعمول است. این سیادت عبارت از مناسبات اجتماعی شدیداً شخصی است که به اعتبار و اثبات خصایص کاریزمایی بستگی دارد. این مناسبات می‌توانند با دائمی شدن خود، از کوتاه‌مدت و گذرا بودن پرهیزند. مثلاً به شکل تجمع معتقدان، جنگجویان، مریدان یا سازمان حزب، سیاسی، هیروکراتیک (روحانی‌سالاری) یا غیره (وبر، ۱۳۷۴: ۴۰۲). در این صورت، سرشت سیادت کاریزمایی که فقط در تولد یا پیدایش خود از نمونه خالص بوده است، دگرگون می‌شود و در نتیجه این سیادت، در یک صورت، سستی یا عقلانی (قانونی) می‌شود و در صورت دیگر، در مواردی به ترکیبی از هر دو تبدیل می‌شود (وبر، ۱۳۷۴: ۴۰۳-۴۰۲).

- تشکیلات سیادت کاریزمایی مبتنی بر نوعی از روابط احساسی است. ستاد اداری آن از کارمندان تشکیل نشده است. هیچ چیز تحت عنوان انتصاب یا انفصال یا سیر ارتقایی یا ترفیع وجود ندارد؛ فقط مبتنی بر یک دعوت است توسط کاریزما براساس صفات کاریزمایی. هیچ سلسله‌مراتب و سازمان اداری تثبیت‌شده‌ای وجود ندارد. هیچ تصاحبی از قدرت رسمی براساس امتیازات اجتماعی وجود ندارد. هیچ نظامی از قواعد صوری، اصول مجرد حقوقی و بنابراین هیچ فرایند قضایی منطبق بر آنها وجود ندارد. همچنین هیچ حکمت حقوقی که در راستای پیشینه قضایی باشد وجود ندارد. قضاوت‌ها فی‌البداهه از موردی به مورد دیگر ابداع می‌شوند (وبر، ۱۳۷۴: ۳۹۹-۴۰۰). رهبر باید برای به کرسی نشاندن خود و دعوت به تکلیف پیروان و نشان دادن شایستگی خود، قدرتش را به نمایش بگذارد (ترنر، ۱۳۷۹: ۴۱). مریدان افرادی تنگ‌نظر، متعصب و یکسونگ‌رند و بدون چون‌وچرا از رهبر فرمانبرداری کرده و جان خود را در راه او فدا می‌کنند (وبر، ۱۳۷۴: ۴۰۴-۴۰۲).

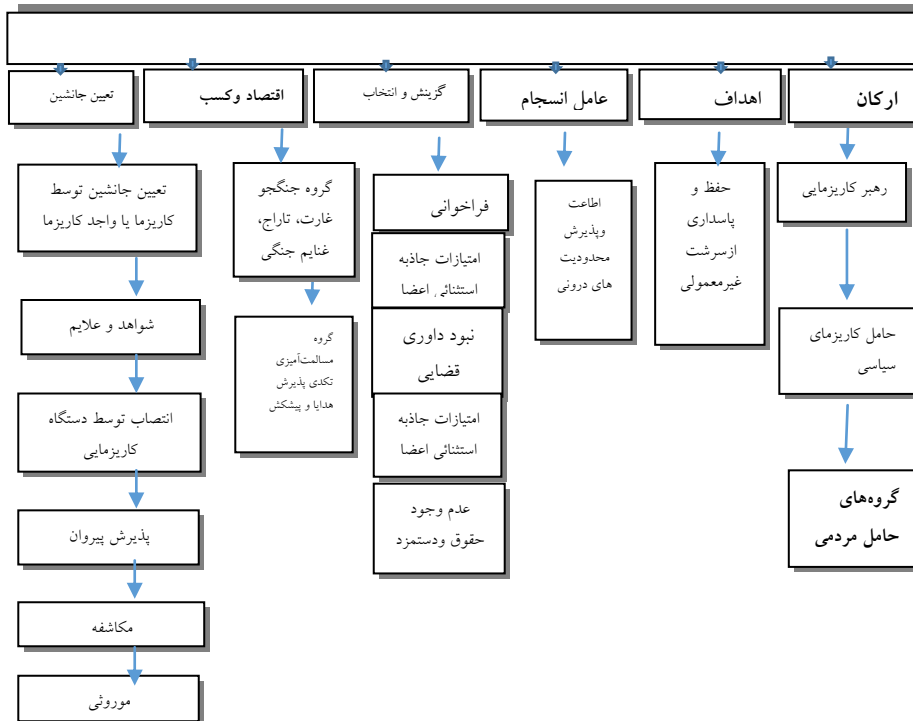
- کاریزمای خالص، به‌طور اخص با ملاحظاتی اقتصادی بیگانه است. هدایا، موقوفه‌ها و

حتی رشوه و انعام زیاد، یا گدایی، انواع کاملاً بارز تأمین معیشت کاریزما است. از طرف دیگر «غنیمت» قهرآمیز یا مسالمت‌آمیز (همراه با زور)، نوع دیگر تأمین حوائج کاریزمایی است. از نظر فعالیت اقتصادی عقلایی، کاریزما یک نیروی غیراقتصادی است. او هر نوع درگیری در روال روزمره دنیوی را طرد می‌کند. او می‌تواند، با نگرش کاملاً غیراحساسی، فعالیت اقتصادی غیرمقرر و نامنظم را تحمل کند (ویر، ۱۳۷۴: ۴۰).

- اصولاً در کاریزما، مسئله «انتخاب» جانشین مطرح نیست و فقط «قبول» و «به رسمیت شناختن» خصوصیت کاریزمایی مدنظر است. با این حال، تعیین جانشین توسط خود پیشوا مناسب‌ترین شکل سیادت کاریزمایی است (ویر، ۱۳۷۴: ۴۴۸-۴۴۶).



نمودار ۱. مدل شکل‌گیری و ماهیت جنبش کاریزمایی ویر



نمودار ۲. مدل ساختار حاکمیت کارزمای وبری

### مصادیق کاریزما وبری

در نظر وبر مصادیق، کاریزما شامل انواع مختلفی می‌شود که حتی «برسکرها»<sup>۱</sup> که بیان حالت آنان به غلط به استفاده از داروهای مخدر منتسب می‌شده است نیز می‌شود. همچنین است «شامان»، یعنی ساحری که در نوع خالصش دچار غش به‌عنوان وسیله ورود به خلسه می‌شود. نوع دیگر، مورد «جوزف اسمیت»، بنیانگذار «مورمونیسیم» است که نمی‌توان آن را با قاطعیت بدین نحو طبقه‌بندی کرد، زیرا این امکان هست که وی کلاهبردار بوده باشد. نهایتاً روشنفکرانی چون «کورت آیزنر» که فدای موفقیت‌هایش شد، نیز باید ذکر شوند. جامعه‌شناسی فارغ از ارزش‌ها، همه اینها را در یک سطح، به‌عنوان افرادی که طبق قضاوت رایج، قهرمانان بزرگ، پیامبران و منجیان هستند، می‌بیند که با همه قواعد بیگانه است (وبر، ۱۳۷۴: ۴۰۰-۳۹۸) وبر در یک دسته‌بندی کلی کاریزما را به دو دسته «کاریزمای اصیل و غیراصیل» تقسیم می‌کند و می‌گوید: «پذیرش توسط آنهایی که در معرض سیادت هستند برای اعتبار کاریزما تعیین‌کننده است. این پذیرش، آزادانه است و با آنچه به‌عنوان «نشانه» یا «دلیل» تلقی می‌شود تضمین

1. Berseker

می‌شود. این نشانه، همیشه در ابتدا یک معجزه بوده و شامل اعتماد به وحی، قهرمان‌پرستی یا اعتماد کامل به یک رهبر است. اما در جایی که کاریزما اصیل باشد، برای ادعای مشروعیت مبنا نیست. مبنای این مدعا در احساس وظیفه‌گسائی است که دعوت به یک رسالت کاریزمایی شده‌اند تا ویژگی آن را تأیید کنند و مناسب با آن رفتار نمایند» (وبر، ۱۳۷۴: ۳۹۸). تمایزات فاحش و متضادی بین مصادیق این مفهوم از پیامبر تا نمونه‌های حقیقی مانند هیتلر و موسولینی است که در چهره‌های عوام‌فریب، دیکتاتور، قهرمان نظامی یا انقلابی ظاهر می‌شود.

### تطبیق مؤلفه‌های کاریزماتیک وبر بر داعش

در دیدگاه وبر جنبش کاریزمایی در شرایط بحرانی شکل می‌گیرد و با ظهور رهبر کاریزمایی تبلور پیدا می‌کند که دارای مشروعیتی غیرعقلانی و خودساخته است و می‌تواند حامیان را به خود جذب کند و سیادت کاریزمایی را شکل دهد. با دقت در فرایند شکل‌گیری و عملکرد رهبری داعش، ابوبکر البغدادی می‌توان دریافت که او با استفاده از شرایط بحرانی، جماعت داعش را بنا نهاد و با اهداف و ساختار مورد نظرش عملکرد و جهت آن را رهبری کرد. در ادامه چگونگی تطبیق یا عدم تطبیق این فرایند با مؤلفه‌های تئوری کاریزماتیک وبر بررسی می‌شود تا چگونگی کاربست نظریه وبر در مورد داعش تبیین شود.

### شکل‌گیری و ظهور رهبر کاریزمایی در داعش

رهبر داعش ابوبکر البغدادی با نام واقعی ابراهیم عواد ابراهیم است. او فعالیت‌های خود را به‌عنوان روحانی شروع و در ادامه یکی از نظریه‌پردازان سلفیه جهادی شد. او در پی علاقه به اقدامات نظامی، گروه موسوم به «ارتش اهل سنت و جماعت» را تشکیل و فعالیت‌های نظامی را علیه شیعیان و دولت شیعی حاکم بر عراق شکل داد. بغدادی پس از چندی به‌همراه گروهش به شورای مشورتی مجاهدین (وابسته به القاعده) ملحق شد و با شروع بحران سوریه با شعار «یاری اهل سنت در سوریه» دست‌به‌کار شد و به مدت دو سال در کنار نیروهای مخالف نظام سوری قرار گرفت. در آوریل سال ۲۰۱۳ میلادی ادغام شاخه جبهه النصره با دولت اسلامی در عراق را با اسم «دولت اسلامی عراق و شام» اعلام کرد. زیاده‌خواهی‌های بغدادی در به‌دست گرفتن قدرت و اختلافاتش با جبهه النصره سبب شد که اقدامات تکفیری خود را در عراق- تحت عنوان خلیفه داعش- ادامه دهد (ساوه درودی، ۱۳۹۳: ۹۴). برخی از



همراهان ابوبکر البغدادی از وی به عنوان رهبری کاریزماتیک نام برده‌اند<sup>۱</sup> که علاوه بر دارا بودن برخی ویژگی‌های شخصیتی خود، همواره به دنبال اخذ جاذبه‌های اکتسابی نیز بوده تا بتواند با ارائه چهره‌ای مقتدر، مشروعیتی کاریزماتیک بیابد. از جمله اینکه با انتخاب عناوین و القاب پرجاذبه و مفهوم‌دار برای خودش به عنوان خلیفه مسلمین و نیز استفاده از نمادهایی نظیر بستن دستمال بر سر به تقلید از خلفای صدر اسلام یا پوشیدن لباس مشکی به نشانه مشابهت با خلفای عباسی برای خود اقتداری ایدئولوژیک ساخته است. توان سخنرانی و تسلط به فنون نظامی سبب شد تا مخالفان دولت شیعی عراق از جمله بعثی‌ها، سلفی‌ها، تکفیری‌ها و عشایر مخالف دولت شیعی عراق که به اقدام نظامی علیه دولت حاکم علاقه‌مند بودند، در حمایت از بغدادی به داعش بپیوندند و بغدادی نیز با استفاده از این فرصت مبادرت به سازماندهی نیروها و اجرای اقدام نظامی علیه دولت عراق کرد (ساوه درودی، ۱۳۹۳: ۱۹۴). از ویژگی‌های اخلاقی او جاه‌طلبی است و در بیان روحیات بلندپروازانه‌اش همین بس که با ایمن الظواهری، جانشین اسامه بن لادن هرگز بیعت نکرد (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۳۰). شخصیت خشن، از دیگر عوامل ایجاد جذابیت کاریزماتیک البغدادی است (باقیان زارچی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷۲). وجود فرهنگ خشونت یکی از نقاط قوت داعش در بسیج اجتماعی است، چراکه در این منطقه مردمی زندگی می‌کنند که می‌توانند با مفاهیم داعش همبستگی ایجاد کنند (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۰۵). از دیگر ویژگی‌های جذاب البغدادی زندگی مخفی و پر رمز و راز اوست. از زندگی گذشته او اطلاعات بسیاری کمی وجود دارد؛<sup>۲</sup> از زمانی هم که رهبری داعش را بر عهده گرفت، به صورت مخفی و سیال در حال اداره تشکیلات است. همین پنهانکاری، سبب افزایش جذابیتش نزد هوادارانش شده است.

## بروز بحران

همان‌گونه که در نمودار ۱ مشاهده شد، وجود بحران‌ها، زمینه پدید آمدن جنبش کاریزمایی است. بنابراین مشاهده و شناسایی مشکلات بحران‌ساز که زمینه تشکیل داعش را شکل می‌دهند ضروری است. در اینجا صرفاً به مهم‌ترین علل و انواع بحران اشاره شده است.

۱. یکی از هم‌پندان البغدادی در زندان در مصاحبه‌ای با روزنامه گاردین مدعی است «بغدادی شخصیتی کاریزمایی و خودپندار دارد. او همواره می‌خواست رئیس زندان باشد. در هر مشکلی که در زندان به وجود می‌آمد جزئی از آن بود. وی با سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن به هر آنچه که می‌خواست می‌رسید» (مکانس، ۱۳۹۵).  
 ۲. گمانه‌زنی در مورد صهیونیست بودن البغدادی با نام سازمانی «شیمون الیوت» (نورانی، ۱۳۹۳: ۱۲۹).

### الف) علت بحران

حضور نظامی آمریکا: داعش نخستین و مهم‌ترین مشکل جامعه را حضور نیروهای غربی و آمریکایی در منطقه می‌داند، زیرا حمله نظامی آمریکا به افغانستان و عراق با جنایاتی در زندان‌های «ابوغریب» و «گوانتانامو» و هجوم به خانه‌های مردم همراه بود. داعش برخی جنایات آمریکا را این‌گونه بیان می‌کند: «تنها در مدت سه ماه در سال ۲۰۰۱ به خاطر بمباران‌های آمریکا ۵۰۰۰۰ نفر افغانی شهید شدند که بیشترشان مردم مدنی بودند... النیوزویک در اعلامشان در تاریخ ۲۰۰۲/۸/۲۷ میلادی نوعی دیگر از جرائم آمریکا در مقابل زندانیان را آشکار نمود که ۳۰۰۰ زندانی طالبان در زندان‌های تنگ و تاریک و در زیرزمین‌های مخفی با گرسنگی شدید و بیماری توسط آمریکا زندانی شده بودند و در یک قفس بیش از ۸۰۰ تن از آنان را گذاشته بودند و صدها تن از آنان هنگام انتقالشان در قفس‌های پلاستیکی خفه شده بودند و از دنیا رفتند... یکی دیگر از موارد نقض حقوق بشر آمریکا در برابر مردم عراق به کار بردن سلاح شیمیایی و کشتار جمعی بود که در بمباران‌هایش بر سر مردم بی‌دفاع، از سلاح‌های حرارتی استفاده می‌نمود که با استفاده از آن نزدیک به ۲۸۰۰۰ نفر مردم عراق کشته شدند (الکردی، ۱۳۹۵: ۲۹-۲۱). این امر باعث شد تا گروه‌های سلفی-به‌ظاهر- به‌منظور دفاع از موجودیت خود در برابر آمریکا، در سراسر منطقه تسری پیدا کنند که نمونه مهم آن تشکیل القاعده عراق یعنی هسته اولیه داعش است. «آنگاه که شیخ اسامه بن‌لادن را شهید کردند، کفار گمان بردند که القاعده را از بین برده‌اند. اما بلافاصله در بلاد رافدین، ادامه‌دهنده راه شیخ اسامه، یعنی؛ الدوله الخلافة الاسلامیه بر دشمنان ظاهر گشت» (دابقی منتظر، ۱۳۴۸: ۱۳۴).

### ب) انواع بحران

۱. بحران رهبری در اهل سنت: بحران دیگر که گریبانگیر اهل تسنن است فقدان رهبری واحد است. به‌عبارتی پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و مضمحل شدن خلافت اسلامی، وعده تشکیل خلافت اسلامی وجه‌المصالحة بسیاری از گروه‌های سلفی در طی سال‌های اخیر گشت. داعش نیز با اطلاع از شوق قلبی مسلمانان به احیای خلافت اسلامی، آن را اصلی‌ترین هدف خود قرار داد. «همان‌طور که هر مسلمان عاقلی می‌داند خلافت اسلامی آرزوی مؤمنین است و رهبر واحد هم آرزوی سربازان جان‌برکف دین اسلام است (شبیبه، ۱۳۹۶: ۴).
۲. بحران مشروعیت: بحران مشروعیت مهم‌ترین بحرانی است که دامنگیر اکثر کشورهای غرب آسیا شده است که در هر کشوری دارای علت منحصر به فرد خود است. در اینجا چون کشور عراق خاستگاه و نیز زمینه اصلی ظهور داعش محسوب می‌شود، برخی دلایل بروز بحران مشروعیت در این کشور بررسی می‌شود.

- سیستم شبه‌دولتی نظام سیاسی عراق: بسیاری از مشکلاتی که در خاورمیانه آشکار می‌شود مربوط به طراحی و تقسیم غیردقیق و اشتباه مرزهای این منطقه با قرارداد سایکس پیکو<sup>۱</sup> در سال ۱۹۱۶ است که موجب بسیاری از مشکلات سیاسی- اجتماعی شده است. وجود این مرزهای غیردقیق و چالش‌برانگیز و نخبگان سنتی و ضعف محلی سبب ایجاد سیستم شبه‌دولتی از جمله در عراق شده است، به‌گونه‌ای که رویکرد فرقه‌گرایی رویکرد غالب تاریخ عراق بوده است (باقری دولت‌آبادی و نوروزی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۳۸).

- ضعف دولت- ملت: بررسی اجمالی در تاریخ عراق نشان می‌دهد که در عراق، دولتی فراگیر که تجلی نهادین و فراگیر همه گروه‌بندی‌های قومی و مذهبی باشد شکل نگرفته است. الگوی حاکم بر فرایند ملت‌سازی در عراق از زمان ملک فیصل تا زمان سقوط صدام حسین از نوع همانندسازی اجباری یا ادغام تحمیلی و سرکوبگرانه گروه‌های قومی کرد، ترکمن و ارمنی در هویت ملی عربی و نیز سرکوب شیعیان از سوی حاکم عرب‌زبان سنی‌مذهب بود. بنابراین دولت، نماینده واقعی همه گروه‌های مذهبی و قومی با تجلی نمادین ملت فراگیر نبود، بلکه در عمل نماینده اقلیت حاکم عرب‌زبان سنی‌مذهب و نخبگان آن بود (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۱۳).

- تغییرات سریع در سیستم توزیع قدرت از حزب بعث به دموکراسی: از زمان فروپاشی امپراتوری عثمانی تا سال ۲۰۰۳م، ساختار قدرت در عراق ابتدا تحت قیمومت انگلستان، نظام پادشاهی و بعد از آن، جمهوری بود و رؤسای جمهور عراق به شکل دیکتاتورهای مادام‌العمر بر این کشور حکمرانی می‌کردند؛ از این‌رو، دموکراسی و مدنیت نه در میان شهروندان عراقی نهادینه شده بود و حتی نه در میان نخبگان سیاسی. به همین دلیل، عراق با سقوط صدام حسین، شاهد تغییرات سریع در مبانی قدرت بوده است (رنجبر شیرازی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۳).

- ضعف توان سیاست‌سازی در عراق: توان سیاست‌سازی کشورها یکی از مؤلفه‌های اساسی مشروعیت‌ساز یک کشور است. اما این امر در عراق جدید به خاطر ضعف در روحیه سیاسی مطلوب و تصمیم‌گیری جامع، منسجم و اجرای انعطاف‌پذیری با ضعف و تردید همراه شد که همین امر خود یکی از علل لازم برای بهره‌برداری گروه‌های ایدئولوژیکی مثل داعش بود. این ضعف توان سیاست‌سازی در عراق را می‌توان در تعلل دولت در اقدام علیه داعش و نبود انسجام نظری و محلی در اقدام نسبت به این کشور و نیز ناهمراهی بخش‌های مختلف جامعه با خود به‌وضوح دید (باقری دولت‌آبادی و نوروزی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۴۹).

۱. قرارداد «سایس پیکو» که با نمایندگی «مارک سایکس» از انگلستان و «ژرژ پیکو» از فرانسه و تأیید روسیه امضا شده بود، نشان از توافق پشت پرده و اهداف چپاولگران بود که بلاد عربی جداشده از عثمانی بعد از جنگ جهانی اول بین دو کشور فرانسه و انگلستان تقسیم شود (قوی، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

- بحران هویت: گروندگان به داعش ملیت‌های مختلفی دارند. این به معنای وجود بحرانی فراگیر و عام در بین حامیان این گروه است که آنها را وادار به مهاجرت کرده است که باید آن را «بحران هویت» نامید. به عبارتی مسلمانان در کشورهای غربی دچار بحران هویت هستند. «عموماً بیشتر مسلمانانی که تجربه زندگی در غرب را دارند به این قضیه اعتراف می‌کنند که چنین اشخاصی احساس غربت کرده و همواره به دنبال مکانی می‌گردند که بتوانند اسلام خود را کامل‌تر اجرا نمایند» (مجله دابق، ۱۴۳۷: ۳۰). اینان در پی هویت‌جویی خویش چشم به راه رسیدن منجیانی هستند که با ارائه آموزه‌های حیات‌بخش، به زندگی آنها معنا ببخشند. این خلأ فکری را سلفیان تکفیری به خصوص داعش با تمرکز بر انگاره‌های احیای خلافت و منجی‌گرایانه آخرالزمانی پر می‌کنند و بحران هویتی آنها را پاسخ می‌دهند. «الله تعالی تشکیل دولت اسلامی را نصیب مجاهدین عراق کرد و تمام جماعت‌های سلفی جهادی مشهور و غیرمشهور هم به دولت بودن هم به اسلامی بودن آن اعتراف کردند و دولت اسلامی عراق را به آمدن خلیفه در همین دولت بشارت می‌دادند و دست به دعا، آمدن خلافت را از خدا درخواست می‌کردند تا اینکه الله با قبول دعای مجاهدین فی سبیل الله مسلمانی از نوادگان رسول‌الله را به‌عنوان خلیفه برای مسلمانان انتخاب کردند» (الکردی، بی‌تا: ۳). بدین ترتیب داعش توانست در بین آنان حسی از همبستگی سلفی‌گری را در مقابل غیریت غرب و تشیع (رافضی) شکل دهد.

- کسب مشروعیت: البغدادی برای مشروعیت عمده‌تاً از دو دسته نظریه مربوط به خلافت و منجی‌گری استفاده کرده است. او با بازنمایی اسطوره افسانه خلافت و برساختن جهان براساس آیین‌های عقیدتی مسلمانان، به ترک قوه خیال و توهم این افراد دامن می‌زند و آنان را به این نگرش وامی‌دارد که با پیوستن به آنها می‌توانند از جهان بی‌معنا و ننگ‌آور رهایی یافته و به معنای مقدس دست یابند. روایت داعش مبنی بر بازتأسیس خلافت، این هویت جدید مذهبی، نه تنها حسی از رسمیت و شناسایی و تعلق فراهم می‌آورد، بلکه سازمانی برای تغییر زندگی افراد جوان است و آنان را از حالت عقب‌ماندگی و حاشیه‌نشینی و بی‌هدفی و ملالت و حقارت به در می‌آورد و با بازگرداندن شکوه و جلال و افتخار به آنان، آنها را به قهرمانان جامعه بازپیکربندی‌شده جدید مؤمنان تبدیل می‌کند. از این رو داعش که ساخته بحران هویت است تداعی‌گر جامعه‌ای است که توده‌ها با قرار گرفتن در آن می‌توانند هویت ازدست‌رفته خویش را بازیابند و معنایی اصیل برای خود برسانند و بدیلی جهانشمول در برابر نظم جهانی طردکننده و ستم‌پیشه شکل دهند (کریمی مله و گرشاسی، ۱۳۹۴: ۱۷۰-۱۶۹). بخش زیادی از مردم کشورهای عربی مسلمان، یکی از دلایل افول قدرت کشورهای اسلامی را اجرای قرارداد «سایس پیکو» می‌دانند. لذا شعار از بین بردن مرزها و ایجاد یک خلافت اسلامی واحد می‌تواند افراد بسیاری را به خود جذب کند. داعش در همین زمینه اعلام کرد که به دنبال برداشتن مرزها

و ایجاد خلافت اسلامی واحد در سرزمین‌های اسلامی است (بهروزی لک و هاشمی نسب، ۱۳۹۴: ۱۲۶).  
 البغدادی با خواندن خطبه‌ای خود را خلیفهٔ مسلمین خواند و خواهان بیعت دیگران شد. جنگ  
 زدن به توجیهاتی آخرالزمانی نیز دیگر شگرد مشروعیت بخش داعش است (سعادت، ۱۳۹۳: ۱۲۸).  
 از جمله روایاتی که وجه‌المصالحةٔ داعش قرار گرفته است عبارت‌اند از: «رسول خدا فرمود: در  
 نزد گنجان جنگی رخ می‌دهد. در بین سه لشکر که هر سه آنها پسر پادشاه هستند. پس این  
 گنج به هیچ‌یک از آنها نمی‌رسد. سپس صاحبان پرچم‌های سیاه از طرف مشرق می‌آیند، پس  
 چنان کشتاری از شما بکنند که هیچ قومی چنان کشتاری نکرده است. پس هرگاه آنها را دیدید  
 به آنها بیعت بدهید، حتی اگر بر روی برف سینه‌خیز خودتان را به آنها رسانده باشید، برای  
 اینکه این لشکر خلیفهٔ خدا مهدی است» (دابق منتظر، ۱۴۳۸: ۱۳۶). «نقش خاتم رسول خدا در سه  
 سطر نوشته شده بود: محمد یک سطر، رسول یک سطر و الله سطر دیگر. و این پرچم دولت  
 خلافت اسلامی شباهت بسیار زیادی به پرچم و خاتم رسول خدا دارد (دابق منتظر، ۱۴۳۸: ۱۶۲).  
 البغدادی با استناد به بخشی از روایات و احادیث اهل سنت و مصادره به مطلوب آنها و تطبیق  
 اعمال و رفتار ظاهری خود بر برخی نشانه‌ها نظیر انتخاب پوشش سیاه (نماد خلافت عباسی)  
 انتخاب نام دابق<sup>۱</sup> برای نشریه (ن.ک: رومی، ۱۴۳۸: ۲۶-۲۴)، اشغال شهر دابق و... اقدام به خلق  
 مشروعیتی کرده است که منشأ آن توجیهات نظری شخص خود ابوبکر البغدادی است.  
 به‌گونه‌ای که هیچ‌کدام از این استدلال‌ها مورد تأیید هیچ‌یک از علمای شهیر اهل سنت نیست.

– **قانون خودساختهٔ داعش:** از آنجا که مشروعیت داعش بر مبنای استفادهٔ جعلی از روایات  
 شکل گرفته است، طبیعی است که تمام قوانینی هم که در ساختار این گروه وجود دارد، همگی  
 خودساخته و ناظر بر تأمین اهداف این گروه باشد. رهبران داعش با توجه به نیازمندی‌های  
 خود در پیشبرد اهداف و به‌منظور مدیریت تشکیلات اقدام به وضع قوانین عجیب و غیرطبیعی  
 می‌کنند. وجود این قوانین را می‌توان در مواردی نظیر ممنوعیت تراشیدن ریش مردان، حضور  
 اجباری در نماز جمعه، پرداخت‌های اجباری مالیات‌های گزاف در ازای خدماتی نظیر پارک  
 کردن خودرو در خیابان، قطع انگشتان دست مردم به بهانهٔ استفاده از تلفن همراه در برخی  
 اماکن، اهدای خون اجباری و... دید. یکی از قبیح‌ترین قوانین داعش، قوانین مربوط به جهاد  
 نکاح است (فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۵۳). قوانین مربوط به ازدواج در اسلام کاملاً مشخص و دارای مرز  
 است که بر مبنای ازدواج یک زن و مرد شکل گرفته است. زنا که از اعمال رایج دنیای مدرن  
 امروز غرب است، در داعش توجیهات شرعی پیدا کرده و جهاد نکاح خوانده شده است. تا  
 کنون ده‌ها نمونه از جدول‌های زمان‌بندی برنامهٔ شرم‌آور جهاد نکاح داعش با زنان و دختران

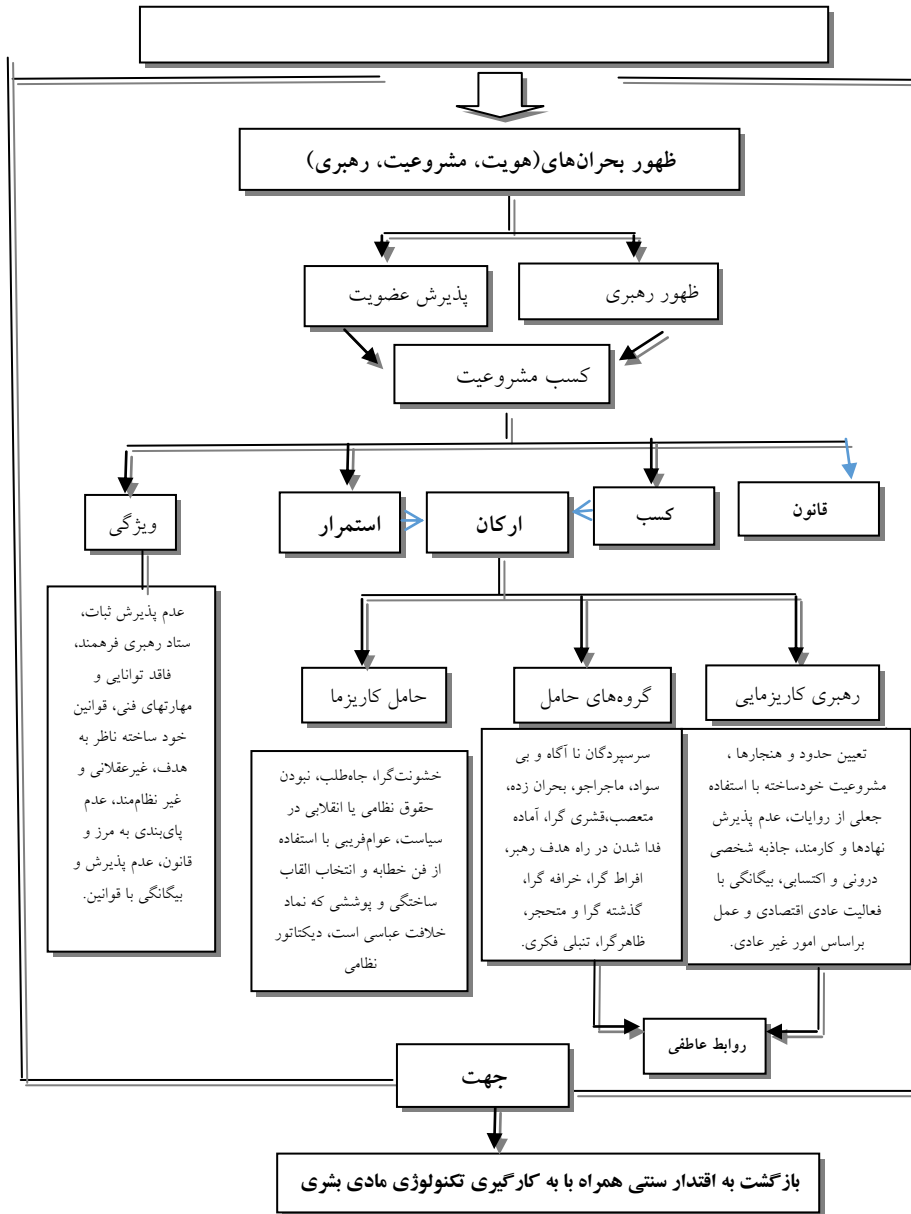
۱. دابق شهر آخرالزمانی که سپاهیان اسلام در جنگی آنرا فتح می‌کنند

فربخورده و اسیر منتشر شده است. این درحالی است که داعش در شهرهای تحت تصرف خود جوانان بسیاری را با اتهام زنا سنگسار کرده است.

– حرکت داعش در راستای «بازگشت به اقتدار سنتی»: حکومت داعش نیز همانند سایر نمونه‌های کاریزما دارای عمری کوتاه و بی‌ثبات است.<sup>۱</sup> چراکه از یک‌طرف به اتکای کمک کشورهای غربی و عربی شکل گرفته و از طرف دیگر رویکرد سلفی‌گری و گذشته‌گرایی را به‌وضوح دارد. الگوی حکومت مورد نظر داعش، در ساختار و کارکرد، به‌شدت در گذشته و خلافت راشدین ریشه دارد و حتی ستیز و دستیابی به قدرت سیاسی نیز در جهاد یا انتخاب اهل حل و عقد خلاصه شده است. این الگوی غیرپاسخگو و استبدادی، با رویکردی متحجرانه و برداشت‌هایی متعصبانه و ظاهرگرا و با تفسیر به رأی آیات و روایات، برپایه قوانین شریعتی که خودشان تفسیر و تعریف می‌کنند بنا شده است. مردم در قبال این حکومت تکلیف دارند و به‌شدت مؤلفه‌های مدرن به‌ویژه در حوزه نقش مردم در قدرت را رد و تقبیح می‌کنند (صابری فرد و جعفری، ۱۳۹۴: ۳۲). مخالفت با برخی دستاوردهای مادی بشری در اندیشه داعش کفر محسوب می‌شود. به‌طور مثال پیروی از اندیشه‌های نو یا گرویدن به مکاتب فلسفی و فکری، عضویت در احزاب سیاسی، اشتغال در ادارات و سازمان‌های دولتی چنانچه در جهت اهداف و منافع گروه‌های سلفی نباشد و انجام برخی از مراسم و آیین‌های مذهبی و دیپلماتیک از اعمال مشرکان و کافران به حساب می‌آید. «طاغوت‌ها مانند مجلس قانونگذاری، پارلمان که قانون وضعی و بشری وضع می‌نمایند و اینان مردم را برای حکم نمودن به این قوانین شیطانی ملزم می‌کنند که حکمی غیر از حکم الله است... نوع دیگری از طاغوت‌های امروزی، وزارت امنیت، آسایش، دفاع، داخلی و... هستند» (دابقی منظر، ۱۴۳۸: ۴۴). «ای مردم دموکراسی به یقین کفر به خدا و رسول و کتاب و دین و شریعت اوست» (صادق، بی‌تا: ۳).

البته داعش برای رسیدن به اهداف خود از برخی دستاوردهای بشری نظیر استفاده از تجهیزات و ادوات نظامی، بهره‌گیری از شیوه‌های جنگی چریکی، استفاده متبحرانه از رسانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی نظیر اینترنت و انتشار نشریات جذاب و مؤثر، به‌کارگیری عملیات روانی در عملیات نظامی و نیز جذب نیرو، به‌دنبال احیای آموزه‌های سنتی در قالب سلفی‌گری نوین است که در ضمن از دستاوردهای مادی بشری نیز استفاده می‌کند.

۱. اگرچه داعش همچنان جریانی زنده است اما می‌توان روند رو به اضمحلال آن را در از دست دادن مناطق تحت نفوذش در عراق و شهرهای مهم سوریه دید.



نمودار ۳. شرایط شکل‌گیری و ماهیت کاریزمایی داعش

### ساختار حاکمیت کاریزمایی داعش

از آنجاکه داعش یک گروهک تروریستی محسوب می‌شود که فاقد سرزمین ثابت و مشخص است، ساختار منظمی ندارد. ارکان تشکیل‌دهنده آن عبارت است از خلیفه، حامیان و حاملان. منبع درآمد این جماعت، فعالیت‌های اقتصادی غیرعقلایی است که در ادامه بیان می‌شود.

**- خلیفه**

سازمان حکومتی داعش، دارالخلافه‌ای است که در رأس آن، خلیفه قرار دارد. خلیفه حاکم دولت اسلامی و رهبر کل نیروهای مسلح و اطلاعات است و نظام‌های اقتصادی، قضایی، سیاسی، فرهنگی، تبلیغی دیگر در مراتب پایین‌تر قرار دارند. «در داعش خبری از مجلس قانونگذاری، تعدد احزاب، انتخابات آزاد، دادگاه‌های مستقل و رأی اکثریت نیست. مقام خلیفه در رأس قرار دارد و بعد از او وزیران قرار دارند» (دابقی منتظر، ۱۴۳۸: ۱۸۴) و پس از انتخاب خلیفه توسط مجلس شورای اهل حل و عقد، اطاعت از وی واجب و خارج شدن از اطاعت او حرام است (مجله نهاوند، ۱۳۹۶: ۱۰).

**- حامیان و حامیان داعش**

در ساختار تشکیلاتی داعش پس از خلیفه حاملان قرار دارند که مسئولیت شوراهای نظامی، مجلس شورا، شورای اطلاعات و امنیت، هیأت‌های شرعی و مؤسسه رسانه‌ای را بر عهده دارند. آنها به‌طور مستقیم زیر نظر البغدادی کار می‌کنند. از جمله اختیارات بغدادی، صدور اوامر به شورای نظامی و نقض هرگونه تصمیمی است که با آن موافق نباشد. در واقع همه ادارات و منصب‌های داخل در سازمان در بیشتر مواقع با اشراف مستقیم البغدادی کار می‌کنند (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۳: ۹۱). ارکان اصلی داعش را عراقی‌ها، سعودی‌ها و سپس اعراب به‌صورت کامل تشکیل می‌دهند و در لایه بعدی از سایر قومیت‌ها و گروه‌ها مانند ترک‌ها، ازبک‌ها، چچنی‌ها، آن هم در سطوح نظامی یا رسانه‌ای استفاده می‌شود (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۱۹-۱۱۴). نکته دیگر ملاک انتخاب فرماندهان داعشی، نزدیکی به خلیفه داعش و نیز برخورداری از شخصیت جذاب و کاریزماتیک است. تا از این طریق بتوانند متناسب با شخصیتشان عده‌ای را جذب تشکیلات کنند. به‌طور مثال ابو عمر الشیشانی در هیئت یک جنگجوی ریش‌قرمز کلاشینکف به‌دست، در رأس کاروانی از آخرین مدل تویوتا‌های شاسی‌بلند، حرکت می‌کند و دارای حرمسرای شخصی از زنان به اسیری گرفته شده است. این ترافندها وی را تبدیل به سرابی جذاب برای جوانان مسلمان گرجی، چچنی و اوکراینی کرده است. لباس سراسر سیاه شاکر وهیب، ظاهر شدن در میان مردان نقابدار مسلح، به‌دست گرفتن تیربارهای سنگین آمریکایی، بر دوش گرفتن یک شاهین شکاری، سخنرانی‌های پرحرارت همراه با شعر و از همه مهم‌تر تلاش برای انجام هولناک‌ترین جنایت‌ها با ظاهری خونسرد، وی را به یک ستاره تبلیغاتی برای جذب نیرو (به‌ویژه زنان) تبدیل کرده است (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۵). حامیان را می‌توان به گروه‌های زیر تقسیم کرد:

**الف) مبلغان و ناشران:** این دسته شامل ائمه جمعه، خطیبان و طلاب علوم دینی تکفیری قطبی‌اند. این افراد در جذب نیرو در پایگاه‌های الکترونیک به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی حضور دارند.



ب) **مؤمنان:** این دسته اغلب در صف اول رهبری نظامی، اداری، مالی، امنیتی و... جای دارند و از دسته مؤمنان اصیل و وابستگان پیشین حزب بعث مؤمن به تفکر تکفیری هستند که در خطوط مقدم سازمان حضور دارند (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۳: ۹۷). ویژگی‌های این افراد عبارت است از:

- **اطاعت‌پذیری مطلق:** داعش با تأکید بر خلافت، حسی از همدلی و وفاداری را برمی‌انگیزد و جامعه‌ای ارزش‌مدار تولید می‌کند که حافظه ارزش‌های مشترک است و هویتی ممتاز و برجسته و زندگی هدفمند دنیوی و سعادت اخروی را به افراد وعده می‌دهد. «خلافت بار دیگر اعلام شده و مهاجرین از نقاط جهان به سوی شام با سرعت رهسپار شدند. آنها دیگر با غربی که در سرزمین صلیبیان و دیگر طواغیت و یا مناطق تحت سیطره ملی‌گرایان مرتد احساس می‌کردند خداحافظی کردند» (مجله دابق، ۱۴۳۷: ۳۲). در این راستا فدا شدن برای آن نه پایان زندگی بلکه آغاز زندگی واقعی ابدی خواهد بود (کریمی مله و گرشاسی، ۱۳۹۴: ۱۷۳-۱۷۲). این سخن البغدادی که می‌گوید: «من رهبر شما هستم، هرچند که بهترین شما نیستم. پس اگر دیدید به حق عمل کردم مرا حمایت کنید و اگر اشتباه کردم، مرا نصیحت کنید (البغدادی به نقل از دابق منتظر، ۱۴۳۸: ۱۹۹ - مجله دابق، ۱۴۳۷: ۱۰).

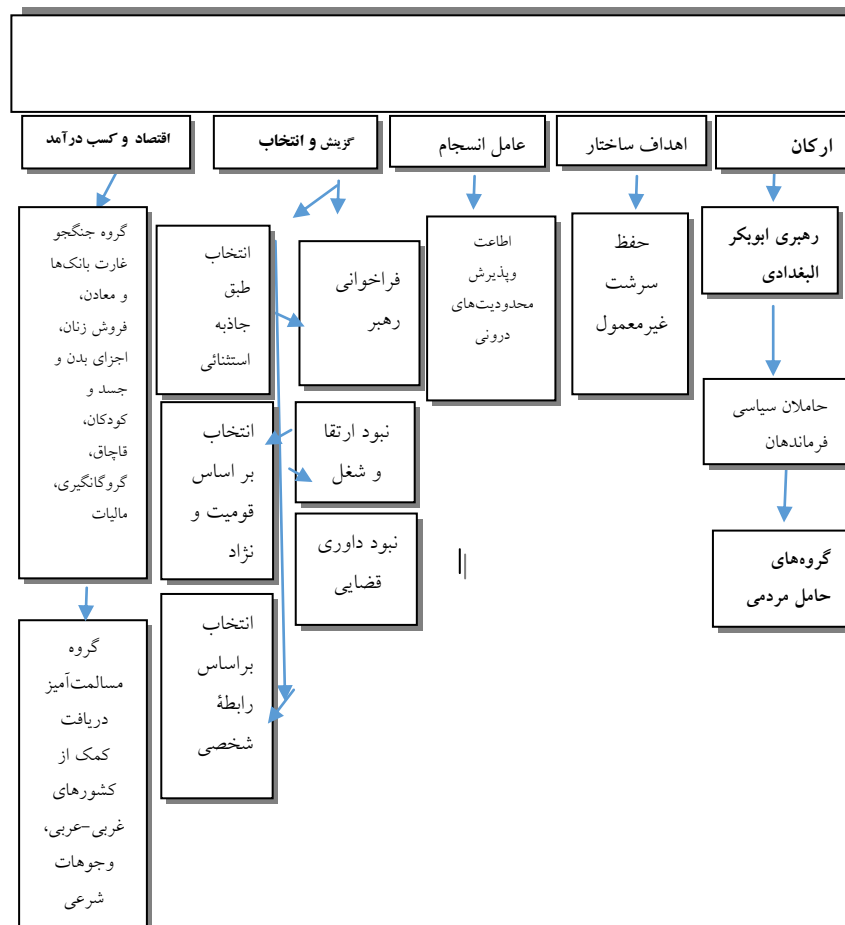
- **قشری‌گری و ضدیت با عقل<sup>۱</sup> (عاطفی و احساسی بودن):** اعضای جماعت تکفیری داعش عموماً از جوانان ماجراجو و کم‌سوادی تشکیل شده‌اند که برخی ویژگی‌هایشان عبارت است از ظاهرگرایی افراطی، تکیه بر جهل و تعصب جاهلی، الگوسازی برای حذف احساس حقارت‌های تاریخی، عقب‌ماندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فکری، تکیه بر احساسات به جای عقلانیت در بنیادهای فکری (عقلانیت‌گریزی) (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۴). بهره‌گیری از سلیقه‌های شخصی، ارزشمند بودن شدت عمل، پیروی از کنش‌های اجتماعی، عاطفی و ارزشی مبتنی بر ارادت شخصی به رهبران و نخبگان، پیروی از پراگماتیسم اسلامی و شتابزده، بهره‌گیری از راه‌های نامشروع برای کسب هدف، ایجاد غیریت سیاسی و دین ستیزه‌جو با بهره‌گیری از حربۀ تکفیر (رنجیر شیرازی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶).

#### - اقتصاد (کسب درآمد از طریق غیرمعمول)

مطابق بررسی‌های مراکز تحلیلی، منابع مالی داعش سالانه بیش از ۲/۹ بیلیون دلار گزارش شده است (حاتمی، ۱۳۹۴: ۱۱). فعالیت‌های نامعقول اقتصادی نظیر تسلط بر معادن نفت، گاز و طلا،

۱. عقلانیت از منظر وبر سه قسم دارد: تعقلی شدن، عقلانی شدن و ابزاری شدن. وبر در بحث انواع کنش، عقلانیت به معنای ابزاری شدن را به کار گرفته است. در دیدگاه وبر، ابزاری شدن به معنای رشد عقلانیت و «حصول حساب‌شده هدفی معین از طریق استفاده از محاسبات» است. با این حساب گرچه رهبری داعش در امور اقتصادی و اداره امور مملکتی و دیگر اقدامات خود غیرعقلانی رفتار می‌کند، در برخی موارد نظیر به‌کارگیری هدفمند صنعت خشونت در جهت ایجاد فضای رعب و وحشت و نیز بهره‌گیری مناسب از رسانه‌های جمعی، کنشی عقلانی معطوف به هدف دارد.

حمله به انبار سلاح‌های دولتی، گرفتن مالیات از تجار و کسبه و نیز اخذ صدقات و زکات، قاچاق عتیقه، فروش اجساد که توسط نیروهای داعش به قتل رسیده‌اند، فروش اجزای بدن قربانیان و نیز اعضای مرده داعش، فروش زنان و کودکان به‌عنوان برده، حمله به بانک‌ها، گرفتن هدایا و مساعدت‌هایی از طرف برخی از حامیانشان (عمدتاً بزرگانی از کشورهای کویت، قطر و عربستان)، گروگان‌گیری و مطالبه پول از خانواده‌هایشان و دریافت باج از قاچاق از شیوه‌های درآمدزایی داعش است. شایان ذکر است که موجودیت و ادامه حیات جماعت تکفیری داعش از این نظر که می‌تواند تأمین‌کننده اهداف کشورهای غربی و عربی باشد، سبب شده تا کمک‌های مالی فراوانی از طرف کشورهای آمریکا، عربستان، قطر و... نصیب داعش شود. پرداختن به این بحث، نیازمند پژوهش دیگری است (نجات، ۱۳۹۴: ۱۸۱).



نمودار ۴. ساختار حاکمیت کاریزمایی داعش

**نتیجه**

براساس مطالب بررسی شده، وبر با ارائه دیدگاه کاریزماتیک، توانست چارچوب نسبتاً مناسبی را برای تبیین برخی جریان‌ها و جنبش‌ها و تحولات اجتماعی فراهم آورد. مطالب مطروحه در این مقاله بیانگر این است که ماکس وبر در نتیجه اوضاع آلمان بعد از جنگ رویای رهبری سیاسی با ویژگی‌های کاریزمایی داشت. دیدگاه‌های وبر در آثار مختلفش به بیان رهبری فرهمند برای نجات کشورش می‌انجامد. نکته شایان توجه این است که معمولاً وقتی از رهبری کاریزمایی در تفکر وبری صحبت به میان می‌آید، از مدل توتالیتری و حکومت نازیستی و فاشیستی در آلمان و ایتالیا نام برده می‌شود. عده‌ای نیز در تحلیل‌های خود از انقلاب اسلامی ایران، از شخصیت رهبری امام خمینی با تعبیر رهبری کاریزماتیک نام برده‌اند که در صورت تأمل در تفاوت مبانی و جهت و در نتیجه انحراف از اهداف، این‌گونه تحلیل از انقلاب اسلامی ایران بی‌تردید موجب مشکلات آسیب‌زا خواهد بود. نکته دیگر آنکه با بررسی پدیده‌های معاصر، می‌توان جریان‌هایی نظیر داعش را دارای بیشترین قرابت با این دیدگاه دانست. همچنان که در متن اشاره شد اغلب عناصر کاریزماتیک وبر که در قالب دو مدل از اندیشه کاریزماتیک وبر ارائه شده، دارای مصادیق عینی در جماعت تکفیری داعش است. اما علی‌رغم تطبیق بین تئوری و مصداق، سه نکته شایان ذکر است. اول آنکه در نظر وبر، روتینه شدن، مرحله آخر عمر کاریزماس است که پس از آن کاریزما به سمت سنت یا عقلانیت، یا تلفیقی از هر دو پیش می‌رود. با توجه به عمر بسیار کوتاه داعش و تبلور زمینه‌های فروپاشی نسبی آن، می‌توان گفت تاکنون تجربه‌ای از روتینه شدن در این گروه دیده نشده است. دوم آنکه در دیدگاه وبر، سیادت کاریزمایی در مقابل سیادت عقلایی قرار دارد. اگرچه در نظر وبر «سیادت عقلایی» مقوله‌ای متفاوت با «کنش عقلایی» است. به عبارتی وجود برخی کنش‌های عقلایی دلیل بر ایجاد سیادت عقلایی نیست. بنابراین می‌توان داعش را سیادت کاریزمایی دانست که برخی کنش‌های عقلایی در آن دیده می‌شود، مانند بهره‌گیری از رسانه‌های ارتباطی؛ اما همان‌طور که بیان شد، داعش در سایر امور و فعالیت‌های خود فاقد مهارت‌های تخصصی و عقلایی است. سوم آنکه رهبری داعش از ابتدا بر عهده ابوبکر البغدادی بوده است؛ قبل از آنکه جانشین جدی برای او در نظر گرفته شود، تشکیلات رسمی داعش در عراق و سوریه منهدم شد. با توجه به فرض اولیه می‌توان تئوری کاریزماتیک ماکس وبر را با توجه به این سه نکته ترمیمی، چارچوب به‌نسبت مناسبی برای تحلیل ساختار و ماهیت جماعت تکفیری داعش در نظر گرفت. جدول زیر بیانگر چگونگی تطابق تئوری و مصداق است.

## مدل مفهومی چگونگی تطبیق تئوری و مصداق

کاریزمای وبر	داعش
ظهور کاریزما در مواقع بحرانی که زمینه شکل‌گیری جنبش کاریزمایی.	بحران‌های هویت، مشروعیت، رهبری، به‌مثابه زمینه‌های شکل‌گیری داعش.
ظهور رهبر کاریزماتیک	ظهور ابوبکر البغدادی
کسب مشروعیت خودساخته	کسب مشروعیت خودساخته بر مبنای روایات خلافت در آخرالزمان
کسب اقتدار کاریزماتیک	کسب اقتدار کاریزماتیک ابوبکر بغدادی
رهبر کاریزمایی: تعیین حدود و هنجارها- کسب مشروعیت از درون خود، نپذیرفتن نهادها، جاذبه شخصی، بیگانگی با فعالیت عادی اقتصادی و عمل بر اساس امور غیرعادی	رهبری کاریزمایی البغدادی: تعیین حدود و هنجارها- مشروعیت خودساخته با استفاده از روایات، نپذیرفتن نهادها و کارمند، جاذبه شخصی درونی و اکتسابی، بیگانگی با فعالیت عادی اقتصادی و عمل بر اساس امور غیرعادی
گروه‌های حامل و مردمی: سرسپردگان و هواداران کاریزما، پیروان متعصب، تارک دنیا و آماده فدا شدن در راه هدف رهبر	گروه‌های حامل و مردمی: سرسپردگان ناآگاه، ماجراجو، بحران‌زده، متعصب، قشری‌گرا، فدایی در راه هدف رهبر، افراط‌گرا، خرافه‌گرا، گذشته‌گرا و متحجر، ظاهرگرا، دچار جمود فکری.
حامل کاریزمای سیاسی: تنگ‌نظر، یکسونگر، نبودن حقوق نظامی یا انقلابی در سیاست، عوام‌فریبی، قهرمان، دیکتاتور	حامل کاریزمای سیاسی: خشونت‌گرا، جاه‌طلب، نبودن حقوق نظامی یا انقلابی در سیاست، عوام‌فریبی با استفاده از فن خطابه و انتخاب القاب ساختگی، دیکتاتور استفاده از پوشش خلافت عباسی به‌عنوان نماد.
جهت کاریزما: کاریزما به سمت اقتدار سنتی یا مدنی یا ترکیبی از این دو پیش می‌رود.	جهت داعش: اقتدار سنتی (همراه با به‌کارگیری دستاوردهای مادی بشر)
هدف ساختار: حفظ و پاسداری از سرشت غیرمعمولی	هدف ساختار: حفظ و پاسداری از سرشت غیرمعمولی
عامل انسجام: اطاعت و فرمانبری، پذیرش محدودیت‌های درونی	عامل انسجام: اطاعت و فرمانبری، پذیرش محدودیت‌های درونی
روابط گزینش: نبود داور قضایی، نبود ارتقا و شغل، نبود انتصاب و اخراج، فراخوانی رهبر، نداشتن حقوق و دستمزد.	روابط گزینش: انتخاب بر اساس جاذبه استثنایی، انتخاب بر اساس قومیت و نژاد، انتخاب بر اساس رابطه شخصی، نبود داور قضایی، نبود ارتقا و شغل، فراخوانی رهبر.
ویژگی‌ها: عمر کوتاه، عدم پذیرش ثبات، ستاد رهبری فرهمند، فاقد مهارت‌های فنی، نبود قوانین رسمی و سلسله‌مراتب اداری، غیرعقلانی و غیرنظام‌مند، پایبند نبودن به مرز و قانون، قانون‌گریزی و بیگانگی با قانون، روتینه شدن	ویژگی‌ها: عمر به‌ظاهر کوتاه، ثبات‌ناپذیری، ستاد رهبری فرهمند، فاقد توانایی و مهارت‌های فنی، قوانین خودساخته ناظر به هدف، غیرعقلانی و غیرنظام‌مند، پایبند نبودن به مرز و قانون، قانون‌گریزی و بیگانگی با قانون.
کسب درآمد: از طریق فعالیت‌های غیرمعمولی مسالمت‌آمیز (گدایی، دریافت انعام، هدایا، پیشکش) و خشونت‌آمیز (غارت، تاراج، غنایم جنگی)	کسب درآمد: از طریق غارت بانک‌ها و معادن، فروش زنان و کودکان و اجساد، گروگانگیری، اخذ مالیات و وجوهات شرعی، دریافت کمک از کشورها

## منابع

## - کتاب‌ها و مقالات

۱. ابراهیمی، حسین (۱۳۹۴). «داعش، توحید و جهاد به سبک بغدادی» پرسیمان، ش ۱۵۲-۱۵۳.
۲. آرون، ریمون (۱۳۸۲). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه پرهام، باقر، تهران: علمی و فرهنگی.
۳. اشرف نظری، علی؛ و السمیری، عبدالعظیم (۱۳۹۳). «بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش)» *فصلنامه علوم سیاسی*، ش ۶۸.
۴. باقری دولت‌آبادی، علی؛ و نوروزی‌نژاد، جعفر (۱۳۹۴). «کاستی‌های نرم‌افزاری امنیت در عراق و قدرت‌یابی گروه تروریستی داعش»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ش ۱۶.
۵. باقیان زارچی، مرتضی؛ دارابی‌منش، مریم؛ و امیری، روح‌الله (۱۳۹۲). «زمینه‌های استراتژیک حملات تروریستی در عراق پس از سقوط صدام»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، ش ۱۴.
۶. بهروزی لک، غلامرضا؛ و هاشمی‌نسب؛ سید سعید (۱۳۹۴). «چگونگی رشد داعش در سوریه و عراق و راهبردهای مواجهه با آن»، *پژوهش‌های منطقه‌ای*، ش ۹.
۷. ترنر، برایان (۱۳۷۹). *ماکس وبر و اسلام*. ترجمه سعید وصالی، تهران: مرکز.
۸. حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۴). «شکل‌گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن»، *پژوهشنامه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی*. ش ۳۰.
۹. رنجبر شیرازی، مصطفی؛ و نجاتی آرانی، حمزه؛ و فاطمی صدر، امیر (۱۳۹۳). *جریان‌شناسی داعش*. چپستی، شاخص‌ها و راهکارهای مواجهه، تهران: سخنوران.
۱۰. ساهو درودی، مصطفی (۱۳۹۳). «گروهک تروریستی داعش؛ برآیند تنازعات و ناامنی‌های منطقه‌ای»، *فصلنامه امنیت پژوهی*، ش ۴۵.
۱۱. سردارنیا، خلیل اله (۱۳۹۱). «عراق، استمرار خشونت و رویای دموکراسی»، *فصلنامه راهبرد*، ش ۶۳.
۱۲. سعادت، قادر (۱۳۹۳). «نگاه داعش به مهدویت»، *سراج منیر*، ش ۱۶.
۱۳. شیخاوندی، داور (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی ماکس وبر*، گناباد: مرن‌دیز.
۱۴. صابری فرد، علیرضا؛ و جعفری، سید اصغر (۱۳۹۴). «تحلیل سناریوی تأثیرات آینده فعالیت جریان‌های تکفیری مدرن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و مقابله‌ای آن» *فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)*، ش ۱۳.
۱۵. عباسی، محمود (۱۳۹۳). «سنخ‌شناسی داعش»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ش ۲.
۱۶. فولادیان، مجید (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی کاربردی ملی (مطالعه تطبیقی-تاریخی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی)*، دانشگاه تهران.
۱۷. فیروزآبادی، سید حسن و همکاران (۱۳۹۳). *تکفیری‌های داعش را بشناسیم*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۸. قوی، نیره (۱۳۸۹). *تشکیلات عنکبوتی*. تهران: ساحل.
۱۹. کریمی مله، علی؛ و گرشاسبی، رضا (۱۳۹۴). «بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ش ۱.
۲۰. گولد، جولوس؛ و کولب، ویلیام ل. (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*، تهران: مازیار.
۲۱. نجات، سید علی (۱۳۹۴). *کالبدشکافی داعش، ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها و پیامدها*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۲۲. نورانی، سید مهدی (۱۳۹۳). *داعش از کاشت تا برداشت*. قم: مجد اسلام.
۲۳. وبر، ماکس؛ و فروند، ژولین (۱۳۷۹). *عقلانیت و آزادی*. ترجمه یدالله موفن و احمد تدین، تهران: انتشارات هرمس.
۲۴. وبر، ماکس (۱۳۷۴). *اقتصاد و جامعه*. ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران: مولی.

## - سایتهای

۲۵. دابقی منتظر (۱۴۳۸). داعش یا دولت اسلامی. [www.tohidbooks.wordpress.com](http://www.tohidbooks.wordpress.com)
۲۶. دانشنامه حوزوی، ویکی فقه ۱۳۹۷ <http://wikifeqh.ir>
۲۷. شبیه، ابومالک (۱۳۹۶). وجوب بیعت دادن به خلیفه مسلمانان ابوبکر الحسینی القریشی البغدادی. ترجمه اوربان موحد.
۲۸. الکردی. نشر کتابخانه منہاج التوحید. [www.menhajtoheed.wordpress.com](http://www.menhajtoheed.wordpress.com)
۲۹. صادق، عبدالله (بی تا). دموکراسی کفری آشکار، ترجمه انجمن اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف بیساران، نشر مکتبه الموحدین. [www.tohidbooks.wordpress.com](http://www.tohidbooks.wordpress.com)
۳۰. «فرماندهان ارشد داعش چه کسانی هستند» (۱۳۹۵). مشرق نیوز. <http://www.mashregnews.ir>
۳۱. الکردی، ابو عبیده (بی تا) تحقیقات علمی پیرامون دولت نبوی. مکتبه الموحدین. [www.tohidbooks.wordpress.com](http://www.tohidbooks.wordpress.com)
۳۲. الکردی، عبدالرحمن (۱۳۹۵). آمریکا را بشناس. ترجمه اوربان موحد الکردی. کتابخانه منہاج التوحید. [www.menhajtoheed.wordpress.com](http://www.menhajtoheed.wordpress.com)
۳۳. المهاجر، ابوالحسن (۱۳۹۹) ترجمه فارسی سخنرانی سخنگوی رسمی دولت اسلامی با عنوان «و لما رأى المؤمنین الاحزاب» ترجمه: هیئت شرعی، مکتبه الموحدین. [www.tohidbooks.wordpress.com](http://www.tohidbooks.wordpress.com)
۳۴. مجله دابق (۱۴۳۷) ش ۱۲. [www.tohidbooks.wordpress.com](http://www.tohidbooks.wordpress.com)
۳۵. مجله رومیه (۱۴۳۸) ش ۳. [www.tohidbooks.wordpress.com](http://www.tohidbooks.wordpress.com)
۳۶. مجله نهاوند (۱۳۹۶) ش ۱. [www.tohidbooks.wordpress.com](http://www.tohidbooks.wordpress.com)
۳۷. مکانس، ویلیام (۱۳۹۵) «زندگی پر رمز و راز داعش» <http://ravipress.ir>